

سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۲

بررسی رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن (با استفاده از نتایج پیمایش ملی)

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۶

مهدی رفیعی بهابادی*^۲، ابراهیم حاجبانی^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی میزان رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه ایران پرداخته و تلاش کرده است که میزان رضایت از زندگی را در بین شهروندان ایرانی تعیین و سپس به بررسی ارتباط متغیرهای احساس عدالت توزیعی، احساس بی‌قدرتی، اعتماد اجتماعی، امید به آینده جامعه و پایگاه اقتصادی اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل با متغیر رضایت از زندگی به عنوان متغیر وابسته بپردازد. روش استفاده شده در این پژوهش، روش پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله خانوارهای معمولی شهری و روستایی ساکن در ۳۰ استان کشور در آبان‌ماه ۱۳۸۴ است و با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای، ۴۸۷۹ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه می‌باشد که جهت تعیین اعتبار آن بعد از انجام چندین مرحله پایلوت و پایلایش پرسشنامه، در نهایت از نظر تیم متخصصان برای تدوین پرسشنامه نهایی استفاده شد. جهت تعیین پایایی نیز از شیوه هم‌هنگی درونی گویه‌ها به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میانگین رضایت از زندگی شهروندان ایرانی در سال ۱۳۸۴ به طرز معناداری از حالت متوسط پایین‌تر بوده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد متغیر امید به آینده اجتماعی بیشترین قابلیت را برای تبیین متغیر رضایت از زندگی در بین متغیرهای پژوهش داشته است. بعد از آن به ترتیب متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و احساس عدالت توزیعی قرار دارد.

مفاهیم کلیدی: رضایت از زندگی، احساس عدالت توزیعی، احساس بی‌قدرتی، اعتماد اجتماعی، امید به آینده جامعه، پایگاه اقتصادی اجتماعی

1. این مقاله بر پایه بخشی از نتایج حاصل از پیمایش ملی «فرهنگ سیاسی مردم ایران» نوشته شده که به همت جمع کثیری از پژوهشگران مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) وابسته به جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۸۴ انجام شده است. از همه کسانی که در انجام این طرح ملی به هر نحو تلاش نموده‌اند سپاسگزاریم. این پژوهش مرهون تلاش‌های این عزیزان است.

2. * نویسنده مسئول، فوق لیسانس جامعه‌شناسی و مدیرگروه مطالعات دین، فرهنگ و اندیشه مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) Mehdirafieebahabadi@gmail.com

3. دکترای جامعه‌شناسی و استادیار مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

بیان مسئله

احساس سعادت و رضایت از زندگی اگر چه تا حد زیادی به شرایط فردی بستگی دارد اما تأثیر عوامل اجتماعی در بروز یا افول آن بسیار پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. جامعه از یک طرف به وجود آورنده شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هم‌نوعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشد بپردازد. رضایت از زندگی ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی است و در واقع نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی است که فرد را فراگرفته و در آن زندگی می‌کند. سطح پایین رضایت از زندگی به گرایش‌های منفی نسبت به جامعه کل مربوط می‌شود. شاید دلیل عمده این شرایط وضعیتی است که جامعه از جهت تحقق اهداف و ایجاد امنیت ناشی از تحقق آن فرد در پی می‌آورد. احساس امنیت ناشی از ارضاء نیازها و تحقق اهداف، رضایت از زندگی را در بین افراد یک جامعه گسترش می‌دهد. رضایت از زندگی بازتاب ارزیابی فرد از سطح مطلق شرایط فردی و اوضاع بیرونی است که تا حدی به وسیله نظام سیاسی تحقق می‌یابد و نارضایتی می‌تواند ناشی از هر یک از این دو به طور مجزا و یا در نتیجه هر دو عامل باشد. اگر چه نارضایتی از هر یک از ابعاد مذکور قابل تعمیم و تسری به ابعاد دیگر می‌باشد. بنابراین عنصر رضایت یکی از عناصر اساسی نظم، وفاق و انسجام اجتماعی است.

عناصر اساسی در تداوم تعهد فرد به نظم اجتماعی ریشه در رضایت وی از شرایط خود و نیز از جهانی که در آن زندگی می‌کند دارد. هر فرد از طریق تحلیل شرایط و تدقیق بر آن می‌تواند اوضاع فردی خویش را دریافته و به ارزیابی آن بپردازد. عواطف مثبت فرد از شرایط خود اگر چه عنصر ذهنی است اما ریشه در شرایط عینی دارد. از آنجا که بروز عواطف مثبت یا منفی در اعضای جامعه در جهتی خاص می‌تواند بسیاری از کنش‌های اجتماعی و انگیزه‌های افراد نسبت به یکدیگر را متأثر نماید هیچ جامعه یا حکومتی نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از بررسی شرایط زندگی اعضا خود ببیند. بدیهی است تداوم نارضایتی اکثریت اعضای جامعه یا تعداد قابل توجهی از آن‌ها برای هر نظم اجتماعی خطر آفرین است چرا که تداوم و گسترش آن باعث کم‌رنگ شدن تعهد افراد به نظام ارزشی و اعتماد آنان نسبت به سایر اعضای جامعه گردیده و چه بسا منشأ بسیاری از تحولات گردد.

می‌توان گفت رضایت از زندگی شاخصی برای تعیین توسعه‌یافتگی جوامع نیز می‌باشد. تحقیقات متعدد بیانگر آن است که کشورها با سطوح متعدد توسعه‌یافتگی از لحاظ رضایت از

زندگی نیز سطوح متعددی دارند. عموماً کشورهای توسعه یافته‌تر سطوح بالاتری از رضایت از زندگی را نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته تجربه می‌کنند. مؤسسه گالوپ (۱۹۷۶) در تحقیقات خود در کشورهای مختلف همبستگی شدیدی بین توسعه اقتصادی اجتماعی و رضایت از زندگی گزارش کرده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳). همان طور که توسعه عامل ایجاد رضایت از زندگی است برعکس آن نیز صادق است. قدم گذاشتن در راه توسعه دارای پیش‌نیازهایی است. از جمله این پیش‌نیازها اعتماد متقابل، رضایت از شرایط فردی و اجتماعی و نیز قبول نظم اجتماعی است. اهمیت این موارد زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم فرد یا افراد جامعه چقدر آماده مشارکت در این مسیر بوده و یا مشروعیت روندی را که به کارگرفته شده پذیرفته و آماده باشند انرژی خود را در آن جهت به خدمت گیرند. همه‌ی این مسائل منوط به تلقی مثبت وی از شرایط اجتماعی و فردی و نیز اعتقاد درونی به این اهداف می‌باشد.

آمار موجود وضعیت نگران‌کننده‌ای را در مورد رضایت از زندگی در کشور گزارش می‌کند. نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها نشان می‌دهد که ۵۶ درصد از جوانان خود را فاقد شادابی و نشاطی که یک جوان باید داشته باشد می‌دانند (وضعیت و نگرش جوانان، ۱۳۸۱: ۶۰). با توجه به تأثیرات و پیامدهای منفی که که پدیده نارضایتی از زندگی می‌تواند بر جامعه تحمیل نماید شناخت وضعیت جامعه از نظر این شاخص و همچنین شناخت عوامل مرتبط و مؤثر بر آن ضروری و لازم به نظر می‌رسد تا بدین وسیله زمینه‌های ارتقای رضایت از زندگی شهروندان فراهم شود.

اما سؤالاتی که این مقاله در پی پاسخ به آن‌ها است شامل این موارد است:

۱. میزان رضایت از زندگی در جامعه ایران چقدر است؟
۲. چه عواملی بر افزایش و یا کاهش میزان رضایت از زندگی تأثیر دارند؟
۳. سهم هر یک از عوامل در تبیین میزان رضایت از زندگی چقدر است و کدام عامل بیشترین سهم را در تبیین این متغیر دارد؟

مبانی و چارچوب نظری

یکی از تئوری‌های تبیین‌کننده رضایت از زندگی، تئوری عدالت توزیعی است که برجسته‌ترین نظریه پرداز آن جورج هومنز^۱ است. تئوری عدالت توزیعی هومنز از درون قضیه پرخاش - تأیید^۲ استخراج شده است. طبق گفته هومنز «وقتی که عمل یک شخص پاداش مورد

1. Homans
2. Aggression approval proposition

انتظار را دریافت نکند و یا تنبیهی که مورد انتظارش نیست را دریافت دارد خشمگین و ناراحت می‌شود و بیشتر احتمال دارد که رفتاری پرخاشگرانه انجام دهد و نتایج چنین رفتاری برایش ارزشمندتر خواهد بود (والیس وولف، ۱۹۸۶: ۱۵۹). هومنز اضافه می‌کند که «پاداش هر کس از یک عمل و یا یک مبادله باید متناسب با میزان سرمایه‌گذاری و مشارکت وی باشد زیرا هر کس خود را بر حسب پاداش‌هایی که دریافت می‌دارد با دیگران مقایسه می‌کند و این توقع را دارد که سهم و پاداش هر کس با میزان سرمایه‌گذاری وی مطابقت داشته باشد» (همان: ۱۶۰).

نقش عدالت توزیعی در روابط اجتماعی بدان معناست که فرد در روابط متقابل با دیگری انتظار دارد پاداش‌های هر فرد در جهت هزینه‌های وی باشد یا به عبارت دیگر هر چه هزینه بیشتر باشد پاداش نیز بیشتر است و همچنین منافع خالص هر فرد متناسب با سرمایه‌گذاری وی باشد و یا هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر باشد سود نیز بیشتر خواهد بود (هومنز، ۱۹۶۱؛ شاو و کاستانزو، ۱۹۸۵: ۷۷).

وقتی نسبت مطلوب بین پاداش و هزینه و سرمایه و سود از تبادل اجتماعی به دست نیاید نقش عدالت توزیعی نقض می‌شود. بدیهی است در چنین حالتی می‌توان پیامدهایی در رفتار و یا حالت‌های فرد شرکت‌کننده در مبادله انتظار داشت. هومنز خود نتایج احتمالی نقض این قانون را بدین صورت بیان می‌دارد: «هر چه نقش عدالت توزیعی در واقع (در مبادله دوجانبه و به طور عینی) کم‌رنگ شود احتمال بروز رفتار احساسی و ناراحتی که آن را خشونت می‌خوانیم بیشتر است (به نقل از شاو و کاستانزو، ۱۹۸۵: ۷۷).

کانون اصلی تئوری هومنز در باب عدالت توزیعی که اتفاقاً مورد توجه پیتر بلا^۱ نیز می‌باشد این نکته است که افراد به هنگام مشارکت در مبادله اجتماعی سود و پاداش خود را بر حسب میزان سرمایه‌گذاری و هزینه‌ای که داشته‌اند با دیگران مقایسه می‌کنند. چنان‌چه احساس کنند پاداش و سود آن‌ها با هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها انطباق ندارد دچار ناراحتی، نارضایتی و خشم خواهند شد. مولم و دو تن از همکارانش با استفاده از تئوری عدالت توزیعی و نظریه امرسون^۲ به تبیین ارزیابی از عدالت و اثر آن بر تداوم مبادله پرداختند. آن‌ها معتقدند «کنشگران به طریقی عمل می‌کنند که نتایجی را که از آن برآورد مثبت دارند افزایش و نتایج با برآورد منفی را کاهش دهند. کنش‌گر در مبادلات اجتماعی همیشه به دنبال کسب سود مورد نظر و برآورد از واقعی و منصفانه بودن مبادله است» (مجله ASR، ۱۹۹۴، شماره ۵۹: ۹۹). به

1. Blau
2. Emerson

اعتقاد مرکووسکی^۱ عدم تحقق این خواست باعث بروز بی‌عدالتی می‌گردد. زمانی که پاداش‌های واقعی کنشگر از معیار عدالت منحرف شود درک بی‌عدالتی افزایش می‌یابد (همان: ۱۰۱). ارزیابی منفی از مبادله و یا غیرمنصفانه دانستن آن عاملی است جدی برای مختل شدن روابط دوجانبه که عموماً حداقل با نارضایتی یک طرف همراه است. از نظر این تئوری پردازان، ارزیابی از غیرمنصفانه بودن روابط، گام نخستین در مبادله است. در گام‌ها و فرایندهای دیگر کنشگر در پی جبران خواهد بود. فرایند جبران به دو شیوه قابل تحقق است: ۱- مخالفت و مقاومتی انفعالی و یا خودداری از ارائه پاداش به طرف مبادله ۲- تلافی جویانه فعال، تنبیه طرف مبادله از طریق حذف بعضی پاداش‌ها. این دو عکس‌العمل قابل مشاهده هم در سطح روابط دوجانبه در گروه‌های کوچک و هم قابل تعمیم به روابط قدرت می‌باشد. ساختار قدرت می‌تواند از دو طریق واکنش‌های رفتاری را متأثر کند، به طور مستقیم از طریق تأثیرگذاری بر کنشگران برای مقاومت و تلافی و به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر درک از بی‌عدالتی که آن نیز به نوبه خود برانگیزاننده مقاومت، نارضایتی و تلافی است (همان: ۱۰۵).

تلقی از نامنصفانه بودن میزان سود و پاداش فرد را به نوعی احساس محرومیت سوق خواهد داد که از جانب تئوری احساس محرومیت نسبی^۲ نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. تئوری دیگری که به نظر می‌رسد قابلیت تبیین رضایت از زندگی را دارد تئوری نیاز^۳ می‌باشد. فرهنگ علوم اجتماعی واژه نیاز را این گونه تعریف کرده است: «نیاز عبارت است از احساس فقدان یا حرمانی که به یک موجود زنده به جهت این که در جریان تحقق اهدافش خود را فاقد آن چیز می‌بیند، دست می‌دهد» (آلن بیرو، ۱۳۷۰: ۲۴۲). تاکنون نیازهای بشری را به طرق متفاوت دسته‌بندی کرده‌اند که در این بین طبقه‌بندی آبراهام مازلو^۴ معروفترین طبقه‌بندی است. مازلو نیازها را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کند:

۱- نیازهای فیزیکی^۵: بیشتر دانشمندان آن را نیازهای اولیه می‌نامند و اعتقاد دارند که حالتی انگیزشی دارد.

۲- نیاز به امنیت: مازلو معتقد است با ارضاء نیازهای فیزیکی نیاز به امنیت و اطمینان بروز می‌کند. این نیاز جنبه یادگیری دارد و با امنیت فیزیکی و روانشناختی ارتباط دارد.

۳- نیاز به تعلق و محبت: متعاقب نیازهای اولیه و امنیت، نیاز به تعلق داشتن^۶ و علاقه بروز

1. Merkovesky
2. Relative Deprivation Theory
3. Need theory
4. Abraham Maslo
5. Physical needs
6. Belongingness

می‌نماید. این نیاز به عواطف و رضامندی از رابطه با دیگران بر می‌گردد.

۴- نیاز به خویشتن‌یابی: در آخرین مرتبه، نیاز به خویشتن‌یابی^۱ بروز می‌نماید و در واقع ناظر بر احساس مؤثر بودن و سودمندی فرد است.

مازلو معتقد است اساسی‌ترین نیاز انسان نیازهای فیزیولوژیک هستند که از طریق آموزش کسب نمی‌شوند و سایر نیازها از طریق یادگیری و در فرایند جامعه‌پذیری کسب می‌شوند (مندوزا و ناپلی، ۱۹۹۵: ۱۵۷).

طبق اکثر نظریات گوناگون در مورد نیازها، ارضاء نیاز باعث آرامش، سکون و رضایت خاطر افراد می‌گردد و بر عکس عدم ارضاء نیاز به هر دلیل باعث بروز پرخاشگری، نارضایتی و فشارهای روانی می‌شود. به عنوان مثال برکویتز^۲ می‌نویسد: «امیال نیروی روانی هستند که برای ارضاء نیازهایی که فشار بیشتری بر فرد می‌آورند آزاد شده‌اند. موقعی که امیال در اوضاع متناسب با نیاز یا نیازهای فردی با شکست مواجه می‌شوند فرد آن‌چنان ناراحت و نگران می‌شود که از میان برداشتن یا تقلیل این ناکامی، صرف‌نظر از علت و یا علل آن فی‌نفسه به هدف مبدل می‌شود (پالمر، اشترن و گایل، ۱۳۶۷: ۱۵۷) مازلو خود نیز درباره پیامدهای مثبت ارضاء نیاز بیان می‌دارد که مقولات روانی بسیاری در نتیجه ارضاء نیاز بروز می‌نماید از قبیل ۱- احساس ایمنی، آرامش و امنیت ۲- رضامندی بیشتر ۳- احساس تعلق و آسایش خاطر ۴- اطمینان، اعتماد، احساس مسئولیت و امیدواری (مازلو، ۱۳۶۷: ۱۱۸).

حتی بعضی از تئوری‌پردازان انقلاب نیز بروز حرکت‌های اعتراضی را به عدم ارضاء نیاز و یا احساس عدم ارضاء نیاز در قیاس با دیگران (احساس محرومیت) و ناکامی ربط می‌دهند؛ «ناکامی به دلیل محرومیت از یک یا چند نیاز روانی است و صرف‌نظر از منبع آن، این ناکامی به پیدایش فرضیه ناکامی - تعرض منجر می‌شود: هر قدر منبع ناکامی در فرد یا مجموعه‌ای از افراد شامل یک ملت وسیع‌تر باشد احتمال بیشتری دارد که چنین افرادی تعرض نشان دهند (پالمر، اشترن و گایل، همان: ۱۵۸).

اما از بین همه نیازها، به نظر می‌رسد نیازهای اولیه و فیزیولوژیک اهمیت بیشتری دارند تا جایی که اینگلهارت در کتاب «تحولات فرهنگی در جوامع صنعتی پیشرفته» بیان می‌دارد: «نیازهای مادی ارضاء نشده بر نیازهای ذهنی و زیباشناختی و اجتماعی تقدم دارند، به طور کلی بارها در تاریخ به اثبات رسیده که مردم گرسنه برای به دست آوردن غذا از هیچ اقدامی فروگذار نبوده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۵). اینگلهارت امنیت را نیز مهم قلمداد کرده و از میان ابعاد

1. Actualization
2. Berkowitz

گوناگون امنیت، اهمیت بیشتری به امنیت اقتصادی می‌دهد؛ «امنیت اقتصادی احساس عمومی رضایت از زندگی را در جامعه افزایش داده و به تدریج باعث پدید آمدن یک هنجار فرهنگی نسبتاً عالی می‌شود» (همان: ۳۳).

علاوه بر نیازهای اولیه و نیاز به امنیت که شرح آن رفت بعضی افراد مانند لین بر یکی دیگر از نیازهای بشری یعنی نیاز به خویشن‌یابی تأکید بیشتری می‌کنند. نیاز به خویشن‌یابی نیازی است که بشر در تعامل با دیگران در پی اثبات آن است. یکی از زمینه‌هایی که فرد امکان ارضاء این نیاز را دارد مؤثر و سودمند بودن در عرصه اجتماع و سیاست می‌باشد. چنان‌چه فرد احساس کند که در عرصه اجتماعی نمی‌تواند عنصری فعال باشد و یا زمینه لازم برای این‌که او بتواند در جامعه نقشی فعال و اساسی داشته باشد وجود ندارد زمینه ساز نارضایتی، بیگانگی، انزوا و ناراحتی است. یکی از عرصه‌هایی که این احساس در فرد تقویت می‌گردد در عرصه سیاست و در رابطه با نظام سیاسی شکل می‌گیرد. یکی از موضوعات قابل توجه احساس بی‌قدرتی یا عدم سودمندی فرد است. لین بحث نسبتاً گسترده‌ای را در این باب انجام داده و می‌نویسد: «احساس‌های تسلط و کنترل داشتن روی خویشن‌یافتن و محیط در جهت حسی از سودمند بودن سیاسی تعمیم می‌یابد. یک حس سودمند بودن سیاسی مردم را به جهتی سوق می‌دهد که نسبت به روند سیاسی خود هوشیارتر شوند. در نظرات خود مطلع‌تر و وفادارتر باشند و در روند سیاسی فعال‌تر گردند. شخص با احساس کمی از مؤثر بودن سیاسی، احتمالاً در دنیای بسته و مملو از مشکلات درونی زندگی می‌کند (پالمر، اشترن و گایل، ۱۳۶۷: ۱۵۹). لین معتقد است که طبقات فرادست در شرایط مناسب‌تری قرار دارند و احساس سودمندتری را تجربه می‌کنند و طبقات پایین‌تر جامعه خود را با آنان مقایسه کرده و بدین ترتیب شرایط خود را نامساعد تلقی می‌نمایند. «طبقات پایین‌تر تمایل دارند که قدرت خویش را با قدرت طبقات بالاتر مقایسه کنند و بدین ترتیب احساسات خود را در مورد حقارت اجتماعی تقویت کنند. به طور معمول قدرت و توانایی در حال زوال و فقدان سودمند بودن شغلی و یا خانوادگی با تقلیل حس سودمند بودن سیاسی توأم است (همان).

لین معتقد است که فرد یا افرادی که به چنین نگرشی از خود برسند این شرایط را به دولت و شرایط سیاسی ارجاع داده و قدرت و توانایی دولت را مورد تشکیک قرار می‌دهند. او معتقد است «پیش‌بینی یک حس ضعیف مؤثر بودن روی دولت تا اندازه‌ای این نظر محافظه‌کارانه را که دولت قادر به انجام عمل مؤثر نیست را توضیح می‌دهد» (همان).

اگر چه لین فقط به بحث رابطه بین شهروند و دولت توجه دارد اما می‌توان آن را در عرصه‌های دیگر اجتماعی نیز مطالعه کرد. ضمن این‌که عدم ارضاء این نیازها حتی در عرصه

سیاسی قابل تعمیم و تسری به سایر بخش‌های زندگی است و این نکته‌ای است که تئوری سرایت^۱ بر آن تأکید می‌کند. مطابق این تئوری رضایت یا نارضایتی از بخشی از زندگی به سایر بخش‌های زندگی تسری و تعمیم یافته و آن بخش را نیز متأثر می‌نماید.

تئوری امید نیز می‌تواند در راستای تبیین متغیر رضایت از زندگی راهگشا باشد. تئوری امید اولین بار توسط استوتلند ارائه گردید. او از ترکیب انتظار رسیدن به هدف و عوامل مؤثر بر آن چند قضیه استخراج نمود. وی در یکی از این قضایا می‌نویسد: «هرچه احتمال دسترسی به هدف بیشتر باشد تأثیر مثبت آن بر فرد بیشتر خواهد بود (شاو و کاستانزو، ۱۹۸۵: ۱۷۱). او در ادامه منظورش تأثیرات مثبت را این گونه بیان می‌کند: «تأثیرات مثبتی که در این قضیه به آن اشاره شده شامل چیزهایی چون لذت، رضامندی، خوشی و شور و نشاط می‌شود» (همان). بنابراین طبق این قضیه ارزیابی از احتمال دستیابی به هدف باعث احساس رضایت ذهنی خواهد شد. استوتلند معکوس این قضیه را در قضیه دیگری به این شکل بیان می‌کند: «هر چه یک فرد برای رسیدن به هدف احتمال کمتری بدهد ولی اهمیت آن هدف برای وی مهم‌تر باشد اضطراب و نگرانی آن فرد بیشتر خواهد بود (همان). استوتلند بر این باور است که امید تنها از طریق تجارب فردی و از طریق تکرار نمونه‌های مشابه به دست نمی‌آید بلکه تعامل و ارتباط با دیگران در بروز روحیه یأس و یا امید در زمینه‌های متعدد اجتماعی عامل تعیین کننده‌ای می‌باشد. بنابراین طبق این تئوری، امید یا ناامیدی می‌تواند رضامندی فرد از شرایط فردی و اجتماعی را مشروط نماید. بر اساس این تئوری رضامندی تابعی از احتمال دستیابی به هدف است و بالعکس نارضایتی تابعی است از احتمال عدم دستیابی به اهداف یا اهدافی که از نظر فرد با اهمیت تلقی می‌گردند.

اما در ادبیات مربوط به رضایت از زندگی، متغیر اعتماد نیز جز عوامل تأثیرگذار بر این متغیر نام برده شده است. اینگلهارت معتقد است «رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان بحث سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی موجود همه همراه هم هستند، آن‌ها نشانگان نگرش‌های مثبت را نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند تشکیل می‌دهند» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۴). ورسلی معتقد است حذف متغیر اعتماد از زندگی اجتماعی به معنای محصور کردن امنیت برای فرد خواهد بود چرا که در این شرایط فرد به به هم‌نوعان خود و نیز جامعه با این دید نخواهد نگرست که باید با آن‌ها دوستی داشته باشد بلکه دائماً باید مراقب آنان باشد که باعث صدمه زدن و آسیب رساندن و یا فریب وی نگردند. در محیط دوستانه و سرشار از اعتماد متقابل احساس محبت بیشتری وجود دارد و این باعث خشنودی و

شادکامی و آرامش برای اعضای جامعه خواهد بود، اما در شرایط بی‌اعتمادی، نوعی جنگ تمام عیار اجتماعی است که فرد هر لحظه، احساس خطر می‌کند (ورسلی، ۱۹۸۶: ۴۵۹). اسگیلوا^۱، برانک^۲ و لیو^۳ در تحقیقی که در سال ۱۹۸۵ انجام دادند با طراحی فرضیاتی در پی تبیین رضایتمندی اجتماعی بودند. آنها با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی^۴ دریافتند که اعتماد اجتماعی از عواملی است که رضامندی کلی از زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Human relation، شماره ۳۱: ۷۶).

پیشینه پژوهش

نایی (۱۳۷۵) در تحقیقی با عنوان سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی به بررسی رضایت از زندگی پرداخته است. وی در این تحقیق رابطه مستقیم بین متغیرهای رتبه شغلی، درآمد، اعتماد با متغیر رضایت از زندگی گزارش کرده است ضمن اینکه نتایج تحقیق وی نشان داد که بین متغیر بیگانگی فرد و رضایت از زندگی رابطه معکوس برقرار است. منوچهر محسنی (۱۳۷۹) نیز در تحقیق ملی خود که در سال ۱۳۷۴ با جامعه آماری کل کشور انجام داد رابطه مستقیم بین متغیرهای سطح سواد و درآمد با متغیر رضایت از زندگی را گزارش کرده است.

سلمان صفدری (۱۳۷۴) در پایان نامه خود تحت عنوان رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن به رابطه متغیرهای متعدد مربوط به حوزه‌های روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی با متغیر رضایت اجتماعی پرداخته است. او در این پایان نامه متغیرهایی مانند احساس محرومیت نسبی، امید، اعتماد اجتماعی، فردگرایی، احساس تعلق و حمایت اجتماعی، نیاز، اعتماد سیاسی، احساس عدالت توزیعی و احساس امنیت را مورد بررسی قرار داده و رابطه این متغیرها با متغیر رضایت از زندگی را بررسی و اثبات کرده است. جامعه آماری صفدری، افراد بالای ۱۸ سال مناطق ۱، ۶ و ۱۶ شهر تهران بوده است.

هزار جریبی و صفری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن» به تأثیر متغیرهایی مانند امید به آینده جامعه، احساس عدالت، احساس محرومیت، دینداری، ارضای نیازها و ... بر رضایت از زندگی پرداخته‌اند. محققان در این مطالعه که در سطح شهر تهران و با حجم نمونه ۶۰۰ نفر انجام پذیرفته است به این نتیجه رسیده‌اند که

-
1. R. Sgilva
 2. G. Brunk
 3. K.T.Liou
 4. Factor analysis

میزان رضایت فردی رو به رشد و میزان رضایت اجتماعی رو به افول است^۱. همچنین آنها به این نتیجه رسیده‌اند در بین متغیرهای بررسی شده متغیر احساس امنیت بیشترین سهم را در تبیین متغیر رضایت از زندگی داشته است.

رونالد اینگلهارت (۱۳۷۳) تحقیقات گسترده‌ای در مورد متغیر رضایت از زندگی در کشورهای مختلف انجام داده است. او معتقد است رضایت از زندگی و خوشبختی با سطوح بالای توسعه اقتصادی متناسب است. او بر این باور است باید انتظار داشته باشیم ملل مرفه سطوح بالاتر رضایت از زندگی را نسبت به ملل فقیر نشان دهند. وی همبستگی بین تولید سرانه ملی و رضایت از زندگی را ۶۷٪ گزارش کرده است. او همچنین با مقایسه رضایت از زندگی در ۱۶ کشور جهان رابطه مستقیم بین دینداری و رضایت از زندگی را اثبات کرده است. کریزبرگ (۱۹۷۳) نیز بین متغیرهای محرومیت مطلق، وجود موقعیت‌ها با منزلت اجتماعی متفاوت و انتظارات بالا با متغیر رضایت از زندگی ارتباط برقرار کرده است (به نقل از صفدری، ۱۳۷۴).

لکلند^۲ معتقد است احساس تبعیض و احساس نابرابری اجتماعی رابطه معکوس با متغیر رضایت از زندگی دارد (لکلند، ۲۰۰۰: ۳۱۵).

روبینسون (۱۹۷۶) رابطه معکوس بیگانگی و بی‌اعتمادی با متغیر رضایت از زندگی را به اثبات رسانده، ضمن آنکه معتقد است بین رضایت از زندگی با پایگاه اجتماعی همبستگی مثبتی برقرار است (به نقل از هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸).

فرضیات

۱. به نظر می‌رسد بین میزان احساس عدالت توزیعی و میزان رضایت از زندگی رابطه مستقیم برقرار است.
۲. به نظر می‌رسد احساس بی‌قدرتی باعث کاهش رضایت از زندگی می‌شود.
۳. به نظر می‌رسد بین میزان امید به آینده جامعه با میزان رضایت از زندگی رابطه مستقیم برقرار است.
۴. به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان رضایت از زندگی رابطه مستقیم برقرار است.

۱. محققان این نتایج را از مقایسه نتایج تحقیق خود با پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۷۹ و ۸۲ به دست آورده‌اند.

۵. به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان رضایت از زندگی رابطه مستقیم برقرار است.

تعریف مفاهیم و متغیرها

رضایت از زندگی: رضامندی از زندگی را می‌توان حالت و شرایطی دانست که بر اساس ارضاء نیاز، آرزوها و امیال روی داده و فرد از روی موفقیت، تمایل و تأیید آزادانه از شرایط فردی و پیرامونی به لحاظ ذهنی خشنود گردیده و آن را خوشایند ارزیابی می‌نماید (شوستر و سیمون، ۱۹۸۲: ۱۲۶۵). اینگلهارت معتقد است «احساس رضایت از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی به وجود می‌آید» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴۱). بنابراین تعاریف فوق می‌توان رضایت را به معنای پذیرش و موافقت از یک موضوع اعم از شرایط فردی و یا اجتماعی دانست.

در این تحقیق، رضایت از زندگی با گویه‌هایی همچون ارزیابی فرد از زندگی در دوران حاضر، ارزیابی از میزان انگیزه افراد برای زندگی، ارزیابی از میزان لذت در زندگی سنجیده شده است.

احساس عدالت توزیعی: شاو و کاستانزو در کتاب تئوری‌های روان‌شناسی اجتماعی عدالت توزیعی را این‌گونه توصیف کرده‌اند: «یک فرد در روابط متقابل با دیگران انتظار دارد پاداش‌های هر فرد در جهت هزینه‌های وی باشد، پاداش یا منافع خالص هر فرد متناسب با سرمایه‌گذاری وی باشد و هر چه سرمایه‌گذاری بیشتر سود بیشتر» (شاو و کاستانزو، ۱۹۸۵: ۷۷).

به نظر آدامز (۱۹۶۵) عدالت عبارتست از تعادل میان آن‌چه فرد به عنوان ورودی با خود به سازمان می‌آورد و حقوق و مزایا و هر پاداش مادی دیگری که وی از سازمان دریافت می‌کند. افراد به همراه خود تحصیلات، تجربه، میل و اراده به کار و زمان در دسترس خود را به عنوان ورودی^۱ به سازمان می‌آورند و مواردی نظیر حقوق، پیشرفت و ارتقای شغلی، جوایز ویژه، شهرت سازمانی و بازخوردهای مختلف را به عنوان خروجی^۲ دریافت می‌کنند.

نظریه دیگری درباره عدالت توزیعی از سوی لونتال ارائه شده است. به نظر وی مردم در ارزیابی عدالت توزیعی به سه اصل «میزان سهم در کار»، «برابری» و «نیاز» توجه می‌کنند (لی، ۲۰۰۰: ۲۳).

این متغیر با گویه‌هایی مانند ارزیابی از عادلانه بودن توزیع ثروت در جامعه و ارزیابی از تناسب سطح زندگی هر فرد در جامعه متناسب با سطح تحصیلات و توانایی‌ها سنجیده شده است.

احساس بی‌قدرتی: حالتی از بیگانگی سیاسی است که در آن فرد احساس می‌کند توانایی

تأثیرگذاری بر جریان امور را ندارد. احساسی است که در اثر خیلی از عوامل از جمله مشاهده عملکردهای نظام سیاسی، مشاهده فرایند سیاسی و نتایج آن، ویژگی‌های شخصی یا مجموعه‌ای از متغیرهای دخیل در فضای سیاسی حادث می‌شود.

در این تحقیق احساس بی‌قدرتی با گویه‌هایی مانند ارزیابی افراد از امورمانند توجه حکومت به خواست مردم در اداره امور سیاسی، پیچیدگی سیاست و نقش مردم در آن، و شیوه‌های تأثیرگذاری مردم بر سیاست‌های کشور سنجیده سنجیده شده است.

امید به آینده جامعه: امید عبارتست از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است و یا به عبارت دیگر ارزیابی مثبت از آن‌چه را که فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد (کوستانزو و شاو، ۱۹۸۵). منظور ما در این مقاله از واژه امید به آینده جامعه، چگونگی ارزیابی فرد (مثبت یا منفی) نسبت به آینده جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند است. در این تحقیق متغیر امید به آینده جامعه با گویه‌هایی مثل امید به پیشرفت کشور در آینده، امید به امنیت بیشتر در آینده، امید به بهبود وضعیت نسل‌های آینده نسبت به نسل فعلی سنجیده شده است.

اعتماد اجتماعی: اگر بخواهیم با توجه به عناصر و ویژگی‌های اعتماد، تعریف ساده‌ای از اعتماد اجتماعی ارائه دهیم می‌توان اعتماد را حسن ظن فرد نسبت به افراد و گروه‌های جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌شود. در حوزه روانشناسی و روانشناسی اجتماعی، اعتماد به عنوان ویژگی‌های فردی مطرح می‌شود و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید می‌کند، در بررسی اعتماد، نظریه‌های شخصیت و متغیرهای فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه اعتماد با مفاهیمی همچون همکاری، صداقت، امید و دگرخواهی ارتباط نزدیکی دارد. در مباحث روانشناسی اجتماعی و مناسبات فرد با جامعه، اعتماد در سطح افراد نسبت به افراد دیگر یا پدیده‌های بیرونی سنجیده می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۲). در حوزه جامعه‌شناسی اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا ویژگی نظام اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شود. در این دیدگاه اعتماد بیشتر به عنوان یک ویژگی جمعی مورد توجه قرار می‌گیرد (اوجاقلو، ۱۳۸۴: ۹۵).

پاتنام که از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود معتقد است اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیر شخصی‌تر یا شکل غیر مستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۰). پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد عمومی (اجتماعی) اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی بعضاً اعتماد

تعمیم یافته نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند. به نظر وی این اعتماد « شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد (همان: ۱۳۶).

با توجه به این توضیحات در این تحقیق اعتماد اجتماعی از سه بعد مورد بررسی قرار گرفته و تعریف عملیاتی شده است. این سه بعد عبارتند از: اعتماد به عموم مردم، اعتماد به اصناف و قشرهای مختلف و اعتماد به نهادها.

پایگاه اقتصادی اجتماعی: پایگاه اجتماعی - اقتصادی محدوده‌ای از هنجارهای خاصی در یک گروه اجتماعی است که نه برای همه بلکه فقط برای عده‌ای از اعضای گروه تعیین کننده و مقیاس گذارنده رفتار باشد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۱۸). طبق اکثر ادبیات موجود در این مورد، پایگاه از مؤلفه‌هایی مانند شغل، تحصیلات و درآمد تشکیل شده است.

روش تحقیق

نوع تحقیق توصیفی - تبیینی می‌باشد به این ترتیب که پس از توصیف متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق به آزمون فرضیات با استفاده از تکنیک‌های مختلف آماری خواهیم پرداخت. روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش می‌باشد. در این روش بعد از شناسایی متغیرهای تحقیق و عملیاتی کردن آنها، سؤالات مربوط به هر متغیر در قالب پرسشنامه طراحی می‌شوند. در مرحله بعد با طراحی سیستم نمونه‌گیری متناسب، فرآیند جمع‌آوری اطلاعات آغاز می‌شود در مرحله بعدی اطلاعات بدست آمده کدگذاری و در برنامه آماری SPSS ورود اطلاعات می‌شوند. در مرحله نهایی نیز با توجه به آمار توصیفی و تحلیلی، داده‌های خروجی را توصیف و تفسیر می‌کنیم.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق، مجموع افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله خانوارهای معمولی شهری و روستایی ساکن در ۳۰ استان کشور در آبان‌ماه ۱۳۸۴ است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای^۱ استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا استان‌ها از حیث متغیرهای تأثیرگذار و کلیدی مانند جمعیت، قومیت، مشارکت سیاسی، سطح توسعه اقتصادی اجتماعی و مشابهت ارزشی (استخراج شده از پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان) خوشه بندی شده و سپس از هر کدام از خوشه‌ها یک استان انتخاب گردید. تعداد نمونه با $p = 0.25$ و خطای نسبی 0.05 حدود ۴۶۱۰ نفر برآورد گردیده که در نهایت جمع‌آوری اطلاعات از ۵۰۰۰ نفر صورت گرفته که

پس از ابطال پرسشنامه‌های مخدوش حجم نمونه پایانی تعداد ۴۸۷۹ نفر است.

روایی و پایایی ابزار تحقیق

پرسشنامه اولیه تحقیق با کمک منابع موجود درباره ابزارهای سنجش و پرسشنامه‌های تهیه شده در ایران، پرسشنامه‌های خارجی، دایرة المعارف‌های موجود درباره مقیاس‌های سنجش مفاهیم علوم اجتماعی و مرور ابزارهای سنجش شماری از پیمایش‌های دوره‌ای مشهور در جهان (نظیر یوروبارومتر) تهیه گردید. این پرسشنامه که دارای حجم زیادی بود اولین بار با حجم نمونه ۵۰ نفر در شهر تهران به صورت آزمایشی اجرا شد. پس از این مرحله به کمک نتایج حاصل از آزمون مقدماتی و نظر گروهی از متخصصان تعدادی از گویه‌های پرسشنامه حذف گردیدند. بعد از اظهار نظر گروهی از متخصصان در مورد این پرسشنامه، برای بار دوم مطالعه آزمایشی صورت گرفت. در این مرحله نیز تعدادی از گویه‌ها حذف و در نهایت پرسشنامه نهایی تدوین گردید.

همچنین اگر ضریب آلفای کرونباخ را به عنوان معیاری برای پایایی و همبستگی درونی گویه‌ها در نظر بگیریم ضراب آلفا مقدار همبستگی درونی قابل قبولی برای شاخص‌های تحقیق گزارش می‌کند.

جدول ۱. ضرایب آلفا برای شاخص‌های تحقیق

ردیف	شاخص	ضریب آلفا
۱	رضایت از زندگی	۰.۷۹
۲	احساس عدالت توزیعی	۰.۶۷
۳	احساس بی‌قدرتی	۰.۶۷
۴	اعتماد اجتماعی	۰.۸۲
۵	امید به آینده جامعه	۰.۸۷

یافته‌های تحقیق

الف) سیمای پاسخگویان

بر اساس نتایج حاصله از مجموع ۴۸۷۹ نفر تعداد ۲۴۳۶ نفر معادل ۴۹/۹ درصد مرد و

1. Validity
2. Riliability

۶۷ — بررسی رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن (با استفاده از نتایج پیمایش ملی)

۲۴۴۳ نفر معادل ۵۰/۱ درصد زن بوده‌اند. حداقل سن پاسخگویان ۱۵ و حداکثر ۶۵ سال و میانگین سنی ۳۲/۴ سال بوده است. بیشترین فراوانی سطح سواد، تحصیلات دیپلم با ۲۶/۸ درصد بوده است. ۶۲/۸ درصد از پاسخگویان متأهل و ۳۹/۲ درصد مجرد بوده‌اند.

ب) یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته

۱- متغیر وابسته (رضایت از زندگی)

طبق اطلاعات موجود در جدول شماره ۲، درصد قابل توجهی از پاسخگویان یعنی ۵۶/۹ درصد رضایت از زندگی کمی دارند. این در حالی است که فقط ۱۸/۴ درصد رضایت زیادی از زندگی دارند. ۲۴/۸ درصد نیز رضایت متوسطی از زندگی دارند. میانگین رضایت از زندگی در بین پاسخگویان بر روی طیف صفر تا صد ۳۹/۹ است که به طرز معناداری از حالت متوسط پایین‌تر است.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان بر حسب میزان رضایت از زندگی

ردیف	رضایت از زندگی	فراوانی	درصد	میانگین
۱	خیلی کم	۷۶۴	۱۵/۷	۳۹/۹
۲	کم	۲۰۰۹	۴۱/۲	
۳	متوسط	۱۲۰۸	۲۴/۸	
۴	زیاد	۷۱۹	۱۴/۷	
۵	خیلی زیاد	۱۷۹	۳/۷	
	جمع	۴۸۷۹	۱۰۰/۰	

۲- متغیرهای مستقل

۲-۱. میزان احساس عدالت توزیعی

اکثریت پاسخگویان (۸۰/۱ درصد) معتقدند منابع جامعه به عدالت توزیع نمی‌شود در حالی که فقط ۳/۳ درصد نظر عکس دارند و معتقدند عدالت توزیعی در جامعه به میزان زیادی وجود دارد. ۱۶/۶ درصد نیز نظر بینابین دارند. میانگین شاخص احساس عدالت توزیعی بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ ۲۴/۳ است که به طرز معناداری از حالت متوسط پایین‌تر است.

۲-۲. احساس بی‌قدرتی

۲۳/۸ درصد از پاسخگویان احساس بی‌قدرتی زیادی دارند به عبارتی این پاسخگویان معتقدند توانایی تأثیرگذاری بر امور را ندارند در حالی که ۱۵/۸ درصد نظر عکس دارند و معتقدند به میزان زیادی توان تأثیرگذاری بر امور را دارند. اکثر پاسخگویان یعنی ۶۰/۴ درصد نظر بینابین دارند. میانگین این شاخص بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ عدد ۵۱/۹ است که نشان می‌دهد میزان این شاخص در حالت متوسط قرار دارد.

۲-۳. اعتماد اجتماعی

از جمع سه متغیر اعتماد عمومی، اعتماد به نهادها و اعتماد به اقشار و گروه‌ها، شاخص اعتماد اجتماعی ساخته شده است. منظور از اعتماد عمومی (تعمیم‌یافته)، اعتماد به اشخاص دیگر است که احتمالاً فرد با آن‌ها رابطه نزدیک زیادی ندارد. میانگین این متغیر در بین متغیرهای تشکیل دهنده اعتماد اجتماعی دارای پایین‌ترین میانگین (۳۰/۷) است. متغیر اعتماد به نهادها دارای میانگین ۴۵/۷ و میانگین اعتماد به اقشار و گروه‌ها ۴۸/۴ است. ۵۳/۳ درصد از پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی کم هستند در حالی که فقط ۱/۶ درصد اعتماد اجتماعی زیادی دارند. اعتماد اجتماعی ۴۵/۱ درصد از پاسخگویان در حد متوسط قرار دارد. میانگین شاخص اعتماد اجتماعی بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ عدد ۳۹/۱ است که به طرز معنادار از حالت متوسط پایین‌تر است.

۲-۴. امید به آینده جامعه

۴۳/۴ درصد از پاسخگویان امید کمی به آینده جامعه دارند. این در حالی است که ۲۴ درصد نیز امیدشان به آینده جامعه زیاد است. ۳۲/۵ درصد امید به آینده متوسطی دارند. میانگین این متغیر بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ عدد ۴۲/۶ است.

۲-۵. پایگاه اقتصادی اجتماعی

۴۹/۹ درصد از پاسخگویان از لحاظ پایگاه اقتصادی اجتماعی در رده پایین جامعه قرار دارند. ۳۲/۴ درصد دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی متوسط و ۱۷/۶ درصد نیز دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا هستند. میانگین این متغیر بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ عدد ۴۱/۲ است. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل در جدول شماره ۳ خلاصه شده است.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		میانگین
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱ احساس عدالت توزیعی	۲۰۲۹	۴۱.۶	۱۸۷۸	۳۸.۵	۸۱۱	۱۶.۶	۱۳۷	۲.۸	۲۴	۰.۵	۲۴.۳
۲ احساس بی قدرتی	۱۰۳	۲.۱	۶۶۷	۱۳.۷	۲۹۴۵	۶۰.۴	۱۰۲۶	۲۱	۱۳۸	۲.۸	۵۱.۹
۳ اعتماد عمومی (تعمیم یافته)	۱۲۸۲	۲۶.۳	۲۴۴۱	۵۰.۱	۷۹۶	۱۶.۳	۳۲۹	۶.۷	۳۱	۰.۶	۳۰.۷
۴ اعتماد به نهادهای جامعه	۲۷۲	۵.۶	۱۲۳۴	۲۵.۳	۲۶۵۲	۵۴.۳	۶۳۹	۱۳.۱	۸۲	۱.۷	۴۵.۷
۵ اعتماد به اقشار و گروه‌ها	۹۲	۱.۹	۱۰۵۸	۲۱.۷	۳۰۰۳	۶۱.۵	۶۸۹	۱۴.۱	۳۷	۰.۸	۴۸.۴
۶ اعتماد اجتماعی (جمع)	۱۷۶	۳.۶	۲۴۲۵	۴۹.۷	۲۲۰۰	۴۵.۱	۷۷	۱.۶	۱	۰	۳۹.۱
۷ امید به آینده جامعه	۷۶۲	۱۵.۶	۱۳۵۶	۲۷.۸	۱۵۸۷	۳۲.۵	۱۰۱۷	۲۰.۸	۱۵۷	۳.۲	۴۲.۶
۸ پایگاه اقتصادی اجتماعی	۸۱۴	۱۶.۷	۱۶۲۲	۳۳.۲	۱۵۸۲	۳۲.۴	۸۰۲	۱۶.۴	۵۹	۱.۲	۴۱.۲

ج) یافته‌های تحلیلی

در این قسمت به ارائه یافته‌های مربوط به آزمون فرضیات خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است به دلیل اینکه سطح سنجش تمام متغیرهای تحقیق فاصله‌ای می‌باشد، نمونه آماری تقریباً زیاد و توزیع متغیرها نیز نرمال است برای آزمون تمام فرضیات از ضریب همبستگی پیرسون استفاده خواهیم کرد.

(۱) رابطه بین احساس عدالت توزیعی و رضایت از زندگی: همان طور که در جدول شماره ۴ نیز ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۱۸۹ است که نشان می‌دهد بین دو متغیر همبستگی مستقیم و نسبتاً ضعیف برقرار است که البته با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) این همبستگی با قبول ۱ درصد خطا و اطمینان ۹۹ درصد معنادار بوده و بنابراین قابل تعمیم به جامعه آماری (جامعه ایران) می‌باشد. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه مستقیم بین متغیر احساس عدالت توزیعی و متغیر رضایت از زندگی اثبات می‌شود. بنابراین می‌توان گفت احساس عدالت توزیعی باعث افزایش رضایت از زندگی خواهد شد. ضریب تعیین برابر با ۰/۰۳۶ است که نشان می‌دهد حدود ۴ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی توسط متغیر احساس عدالت توزیعی تبیین می‌شود.

جدول ۴. بررسی رابطه بین میزان احساس عدالت توزیعی و میزان رضایت از زندگی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	معناداری
میزان رضایت از زندگی	۰/۱۸۹	۰/۰۳۶	۰/۰۰۰
میزان احساس عدالت توزیعی			

(۲) رابطه بین احساس بی‌قدرتی و رضایت از زندگی: ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۲۳۵- است که نشان می‌دهد بین دو متغیر همبستگی معکوس و متوسط متمایل به ضعیف برقرار است. با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) همبستگی موجود بین دو متغیر در نمونه آماری با قبول یک درصد خطا و اطمینان ۹۹ درصد قابل تعمیم به جامعه آماری (جامعه ایران) معنادار بوده و بنابراین قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت هر چه احساس بی‌قدرتی بیشتر باشد و فرد احساس کند توان تأثیرگذاری بر امور را ندارد میزان رضایت از زندگی وی نیز کاهش خواهد یافت. ضریب تعیین برابر با ۰/۰۵۵ است که نشان می‌دهد حدود ۶ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی توسط متغیر احساس بی‌قدرتی تبیین می‌شود.

جدول ۵. بررسی رابطه بین میزان احساس بی‌قدرتی و میزان رضایت از زندگی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	معناداری
میزان رضایت از زندگی	-۰/۲۳۵	۰/۰۵۵	۰/۰۰۰
میزان احساس بی‌قدرتی			

۷۱ — بررسی رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن (با استفاده از نتایج پیمایش ملی)

۳) رابطه بین اعتماد اجتماعی و رضایت از زندگی: همان طور که در جدول شماره ۶ نیز ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۲۹۵ است که نشان از رابطه مستقیم و متوسط بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و رضایت از زندگی دارد. معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد همبستگی موجود بین دو متغیر در نمونه آماری معنادار بوده و بنابراین با قبول ۱ درصد خطا و اطمینان ۹۹ درصد قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. با این نتایج می‌توان گفت هر چه اعتماد اجتماعی در جامعه زیادتر باشد رضایت از زندگی نیز بالاتر خواهد رفت. ضریب تعیین برابر با ۰/۰۸۷ است که نشان می‌دهد حدود ۹ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی توسط متغیر اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود.

جدول ۶. بررسی رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان رضایت از زندگی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	معناداری
میزان رضایت از زندگی	۰/۲۹۵	۰/۰۸۷	۰/۰۰۰
میزان اعتماد اجتماعی			

۴) رابطه بین امید به آینده جامعه و میزان رضایت از زندگی: رابطه دو متغیر امید به آینده جامعه و رضایت از زندگی با اطمینان ۹۹ درصد و قبول ۱ درصد خطا و با میزان همبستگی ۰/۳۰۵ و معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد با افزایش امید فرد به آینده جامعه، رضایت از زندگی نیز افزایش می‌یابد. ضریب تعیین برابر با ۰/۰۹۳ است که نشان می‌دهد حدود ۹ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی توسط متغیر امید به آینده جامعه تبیین می‌شود.

جدول ۷. بررسی رابطه بین میزان امید به آینده جامعه و میزان رضایت از زندگی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	معناداری
میزان رضایت از زندگی	۰/۳۰۵	۰/۰۹۳	۰/۰۰۰
میزان امید به آینده جامعه			

۵) رابطه پایگاه اجتماعی و رضایت از زندگی

ضریب همبستگی بین دو متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی و رضایت از زندگی برابر با ۰/۱۷ است که نشان از یک همبستگی بسیار ضعیف و ناچیز بین دو متغیر دارد. با توجه به سطح

معناداری به دست آمده (۰/۲۳۸) می‌توان گفت همبستگی ناچیز مشاهده شده در نمونه قابل تعمیم به جامعه آماری نیست بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه بین دو متغیر رد می‌شود.

جدول ۸. بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی و میزان رضایت از زندگی

معناداری	ضریب تعیین	ضریب همبستگی پیرسون	متغیرها
۰.۲۳۸	۰.۰۰۰	۰.۰۱۷	میزان رضایت از زندگی
			پایگاه اقتصادی اجتماعی

تبیین رضایت از زندگی بر حسب مجموع متغیرهای مستقل

به منظور بررسی رابطه مجموع متغیرهای مستقل با رضایت از زندگی و تعیین این‌که متغیرهای مستقل در مجموع تا چه اندازه قادر به تبیین رضایت از زندگی هستند و کدام یک از آن‌ها پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری است از تحلیل رگرسیون استفاده می‌کنیم که نتایج آن در جداول ۹ و ۱۰ مشاهده می‌شود.

جدول ۹. بررسی همبستگی چندگانه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (میزان رضایت از زندگی)

معناداری	F مقدار	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه
۰.۰۰۰	۱۸۲.۵۷۷	۰.۱۵۸	۰.۳۹۷

ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۳۹۷ است که نشان از همبستگی متوسط مجموع متغیرهای مستقل با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین برابر با ۰/۱۵۸ است که نشان می‌دهد حدود ۱۶ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی توسط مجموع متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار آزمون F برابر با ۱۸۲/۵۷۷ و معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است که نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

جدول ۱۰. بررسی ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل

معناداری	t	Beta	B	متغیرهای پیش‌بین	ردیف
۰/۰۰۰	۱۲/۵۸۶	-	۲۴/۲۹۹	عدد ثابت	۱
۰/۰۰۰	۴/۳۰۴	۰/۰۶۲	۰/۰۷۴	احساس عدالت توزیعی	۲
۰/۰۰۰	-۱۱/۵۱۲	-۰/۱۵۶	-۰/۲۱۸	احساس بی‌قدرتی	۳
۰/۰۰۰	۱۰/۶۷۹	۰/۱۶۶	۰/۳۵۰	اعتماد اجتماعی	۴
۰/۰۰۰	۱۲/۳۰۴	۰/۱۹۲	۰/۱۷۱	امید به آینده جامعه	۵
۰/۰۰۰	۶/۵۲۲	۰/۰۸۹	۰/۱۰۰	پایگاه اقتصادی اجتماعی	۶

جدول فوق ضرایب رگرسیون برای متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. با توجه به ضرایب بتای به دست آمده متغیر امید به آینده جامعه با مقدار بتای ۰/۱۹۲ پیش‌بینی کننده قوی‌تری نسبت به سایر متغیرهای مستقل برای متغیر رضایت از زندگی است. این نتیجه نشان می‌دهد به ازای ۱ واحد انحراف استاندارد تغییر در متغیر امید به آینده جامعه، ۰/۱۹۲ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر رضایت از زندگی ایجاد می‌شود. بعد از متغیر امید به آینده به ترتیب متغیرهای اعتماد اجتماعی با مقدار بتای ۰/۱۶۶، متغیر احساس بی‌قدرتی با مقدار بتای ۰/۱۵۶، متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی با مقدار بتای ۰/۰۸۹ و متغیر احساس عدالت توزیعی با مقدار بتای ۰/۰۶۲ قرار دارند. جهت تمام رابطه‌ها به جز متغیر احساس بی‌قدرتی مثبت می‌باشد. ضریب استاندارد رگرسیون برای متغیر احساس بی‌قدرتی منفی است که نشان می‌دهد به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در متغیر احساس بی‌قدرتی، ۰/۱۵۶ واحد انحراف استاندارد تغییر در جهت عکس در متغیر رضایت از زندگی حاصل می‌شود. تمامی ضرایب استاندارد رگرسیون به دست آمده معنی‌دار بوده و بنابراین قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق شناخت میزان رضایت از زندگی در بین شهروندان ایرانی و تبیین عوامل مؤثر بر آن بود. نتایج تحقیق نشان داد که درصد قابل توجهی از پاسخگویان یعنی ۵۶/۹ درصد از زندگی رضایت ندارند. این در حالی است که فقط ۱۸/۴ درصد رضایت زیادی از زندگی دارند. ۲۴/۸ درصد نیز رضایت متوسطی از زندگی دارند. میانگین رضایت از زندگی در بین پاسخگویان نیز ۳۹/۹ بود که به طرز معناداری از حالت متوسط پایین‌تر است. مقایسه این نتایج با داده‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ نشان می‌دهد وضعیت شاخص رضایت از زندگی در جامعه رو به افول است. در سال ۱۳۷۹ به طور متوسط ۶۷/۲ درصد از پاسخگویان به اندازه زیاد از امکانات رفاهی، وضع سلامتی، زندگی خانوادگی و شغلشان راضی بودند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۷۹: ۱۶۰-۱۵۷). در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال ۱۳۸۱ نیز ۴۹/۷ درصد از افراد خود را در حد زیاد خوشبخت می‌دانستند و ۲۸/۱ درصد نیز تا حدودی خود را خوشبخت می‌دانستند. همچنین به طور میانگین ۶۶ درصد از پاسخگویان نسبت به وضعیت خانوادگی، وضعیت سلامتی، وضعیت مالی، وضعیت مسکن و وضعیت محل سکونت رضایت زیاد داشتند (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲: ۷۸).

شهر محل زندگی	محل سکونت	وضع مسکن	وضع مالی	وضع سلامتی	خانواده	
۱۴.۳	۴۴.۶	۲۶.۸	۱۹.۴	۷.۱	۳.۵	کم
۱۳.۳	۱۸.۴	۱۹.۱	۳۶.۳	۱۱.۸	۱۱.۵	متوسط
۷۲.۴	۵۸.۹	۵۴.۱	۴۴.۳	۸۱	۸۵	زیاد

منبع: (موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲: صص ۷۸-۷۵)

بنابراین، این کاهش رضایت در فاصله حدود ۳ سال بسیار چشمگیر است و لازم است که این مسئله بررسی بیشتر شده و عوامل تأثیرگذار بر این وضعیت به طور دقیق شناسایی شوند. همان‌طور که پیش از این گفته شد رضامندی از زندگی نقش زیادی در حیات فردی و اجتماعی دارد. رضایت از زندگی و یا عدم آن قابل تسری به سایر بخش‌های زندگی فردی و اجتماعی است. بنابراین عدم رضایت از زندگی شهروندان می‌تواند تبعات منفی برای جامعه و دولت حتی در بخش سیاسی داشته باشد زیرا در صورت عدم رضایت از زندگی، شخص ممکن است مسئول این عدم رضایت را دولت دانسته و در نتیجه این امر باعث کاهش مقبولیت سیاسی و عواقب ناشی از آن خواهد شد. بنابراین پذیرش این مطلب باید باعث شود که مسئولین اداره کشور یکجانبه و بدون بررسی به اداره جامعه نپردازند بلکه نتایجی را که از تحقیقات علمی حاصل می‌شود را سرلوحه کار قرار داده و با اتکا به آن بتواند رضایت شهروندان را جلب و در نتیجه اداره امور را تسهیل نمایند.

همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داد متغیر امید به آینده جامعه در بین متغیرهای تحقیق حاضر، بیشترین درصد از تغییرات رضایت از زندگی را تبیین می‌کند. بنابراین متغیر امید به آینده متغیری کلیدی برای ایجاد رضایت از زندگی در بین شهروندان محسوب می‌شود. پراکندن امید به زندگی فردی و اجتماعی برای فرد شادکامی، سرور و نشاط را در بر خواهد داشت و بر عکس ناامیدی باعث افسردگی، اضطراب، انفعال و بیگانگی خواهد شد. بنابراین انجام اقداماتی که امید شهروندان به آینده را بیشتر می‌کند لازم و ضروری است. نکته قابل توجه در رابطه مردم با دولت اما این است که به واقعی بودن عناصر تبلیغی که مبین آینده روشن باشد توجه شود چرا که در صورتی که پی‌درپی وعده و امید موقت داده شود و این وعده‌ها تحقق پیدا نکند این امر باعث بروز تعارض برای افراد و نهایتاً بی‌اعتمادی آن‌ها نسبت به دولت خواهد شد که طبق نتایج تحقیق این خود باعث کاهش رضایت شهروندان خواهد شد. همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد متغیر اعتماد اجتماعی دومین متغیر تأثیرگذار بر متغیر رضایت از زندگی شهروندان بود. یکی از متغیرهای تشکیل‌دهنده اعتماد اجتماعی، اعتماد

به دیگران (اعتماد تعمیم‌یافته) و اعتماد به اقشار و گروه‌ها بود که طبق نتایج تحقیق میانگین این متغیرها از متوسط پایین‌تر بود. برخورداری از روابط گرم با دیگران می‌تواند رضامندی افراد را در جهتی مثبت هدایت کند. بنابراین نحوه ادغام فرد در جامعه چنان‌چه با عواطف مثبت و روابط گرم همراه باشد می‌تواند آرامش و احساس امنیت برای فرد و انسجام را برای جامعه به ارمغان آورد. این امر می‌تواند از طریق نهادهایی مانند خانواده در فرایند جامعه‌پذیری منتقل، تحکیم و گسترش یابد. ناگفته پیداست نقش محیط‌های آموزشی در ترویج این الگوها بسیار اساسی می‌باشد. وجه دیگر اعتماد اجتماعی، اعتماد به نهادهای جامعه بود که به نوعی اعتماد سیاسی محسوب می‌شود. طبق نتایج، این نوع اعتماد نیز در وضع آن‌چنان مطلوبی در جامعه ما قرار ندارد و میانگین از حالت متوسط پایین‌تر است. بدیهی است اعتماد به نهادها نیز از طریق شفافیت در روابط با مردم توسط مسئولین و کارگزاران نهادها و پرهیز از یکجانبه‌گرایی و همچنین اجتناب از دادن وعده‌های پی‌درپی بدون عمل به وعده‌ها حاصل می‌شود. اعتماد به نهادها زمینه‌ساز رضایت سیاسی به طور خاص و رضایت از زندگی به طور عام می‌شود.

متغیر تأثیرگذار دیگر بر متغیر رضایت از زندگی، احساس بی‌قدرتی است. می‌توان گفت همه متغیرهای تحقیق حاضر، به صورت زنجیری به هم وصل هستند و تغییر در یک متغیر، تغییراتی را در سایر متغیرها ایجاد می‌کند. احساس بی‌قدرتی و احساس عدم تأثیرگذاری فرد در اداره امور جامعه زمانی حاصل می‌شود که فرد در کنش‌ها و تجارب قبلی که از مبادله با دولت کسب کرده است به این نتیجه‌گیری برسد که نظرات و اعمال وی تأثیری در اداره امور نداشته و بنابراین فرد ناامید می‌شود. احساس ناامیدی خود باعث می‌شود فرد دست از مشارکت در امور کشیده و حالتی از انزوا در فرد به وجود آید. همه این عوامل باعث ایجاد نارضایتی سیاسی و در نتیجه نارضایتی از زندگی و همه عواقب ناشی از آن خواهد شد. بنابراین رابطه دولت با مردم باید به گونه‌ای تنظیم شود که افراد به شکل واقعی دولتمردان را نماینده خود در اداره امور جامعه تلقی کرده و این احساس در افراد به وجود آید که نظرات، اعمال و مشارکت آن‌ها برای پیشبرد بهتر امور جامعه مؤثر و لازم است.

متغیر دیگر تأثیرگذار بر متغیر رضایت از زندگی، احساس عدالت توزیعی است. ارزیابی منفی افراد از نابرابر بودن توزیع امکانات و منابع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... زمینه‌ساز بروز شرایطی همچون احساس بی‌عدالتی توزیعی و احساس محرومیت نسبی می‌شود که هر یک از این عوامل از عناصر مهم بروز نارضایتی می‌باشند. نکته مهمی که مسئولین اداره جامعه باید به آن توجه کافی داشته باشند ممانعت از رشد بی‌رویه فاصله طبقاتی و در مقابل ایجاد شرایطی است که همه مردم امکان تحرک اجتماعی داشته باشند. افزایش فاصله طبقاتی باعث رشد

نارضایتی سیاسی و زمینه‌ساز حرکت‌های جمعی می‌شود که برای نظم جامعه خطرات زیادی دارد. عدم تقسیم عادلانه فرصت‌ها باعث می‌شود ثروت و منابع جامعه در دست اقلیتی کوچک باشد و اکثریت جامعه محروم بمانند. چنان‌چه در بخش ارائه یافته‌ها مشاهده شد اگر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی خود به تنهایی عاملی تأثیرگذار بر متغیر رضایت از زندگی نبود اما در تعامل با سایر متغیرها، متغیری تأثیرگذار محسوب می‌شود. بنابراین فراهم کردن امکان تحرک اجتماعی و ارتقاء پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد در کنار سایر عوامل می‌تواند باعث رضایت بیشتر از زندگی شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج اول (۱۳۷۹)، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج دوم (۱۳۸۲)، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- او جاقلو، سجاد و محمدجواد زاهدی (۱۳۸۴) بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۴
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، مریم وتر، تهران، انتشارات کویر
- بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور
- پالم، مونت، اشترن، لارن، گلایل، چارلز (۱۳۶۷) نگرش جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار
- سیدمیرزایی، سید محمد، قهرمان، آرش (۱۳۸۸) بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های اجتماعی رضایت از زندگی در بین دانشجویان (نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد)، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱-۲۵
- صفدری، سلمان (۱۳۷۴) رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، گروه جامعه‌شناسی
- مازلو، آبراهام (۱۳۶۷) انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، انتشارات آستان قدس رضوی
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی

- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰)، بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روان شناختی اجتماعی، نمایه پژوهش، ش ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
- نایبی، هوشنگ (۱۳۷۵) سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد
- وضعیت و نگرش جوانان ایران (۱۳۸۰) تهران، سازمان ملی جوانان، دفتر مطالعات و تحقیقات
- هزارجریبی، جعفر، صفری شالی (۱۳۸۸) بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول شماره ۳
- Adams, D,L(1965), "Analysis of life satisfaction Index" journal of gerontology, 24:470-474
- Human relation, vol 43, internet
- Kerisberg, L (1973), "sociology of social conflict", Printice hall publication, new jersey
- Lackland, D (2000), "Satisfaction with life among international students: An exploratory study", social indicator research, 53: 315-337
- Lee, Hyung-Ryong (2000), An Emprical study of organizational justice and organizational citizenship behavior: A review of the Literature.
- Mendoza, M,G,V , Napoli (1995), " Systems of society", Canada, mami- dadc community colley, sixth edition
- Molme, Linda, Quist,T, Wiseley, P (1994), "Imblanced structures unfairs strategies , power and justice insocial exchange ", journal of American sociological review (ASR), 1994, V.159
- Shaw, M, Costanzo, P, R (1985), "Theories of socialpsychology" USA, Mc Grave – hill, second edition
- Simon, Schuster (1982), " Webster new dictionary", USA, western corporation, seventh edition
- Wallace, R, Wolf, A (1986), "contemporary sociological theory", USA, prentice-hall, second edition
- Worsley, peter (1968). "Modern sociology", Newyork, penguin book, second edition